

توریسم بین‌المللی و نابرابری در آمدی
مطالعه موردی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی^۱ (OIC)

مهديه رضاقلی‌زاده^۲، مجید آقایی^۳ و یوسف عیسی‌زاده روشن^۴
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱/۱۵، تاریخ تایید: ۱۳۹۵/۲/۱۵

چکیده

با توجه به اهمیت کنونی صنعت توریسم در فرآیند توسعه پایدار و تاثیر معنادار آن بر نحوه توزیع درآمد در کشورها، در این مطالعه بر آن شدیم تا به بررسی وضعیت توریسم بین‌المللی و تاثیر آن بر نابرابری درآمدی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) بپردازیم. به منظور تعیین این رابطه با استفاده از نظریات اقتصادی و با تکیه بر مدل‌های پانل پویا^۵ (DPD) و به‌کارگیری تخمین زنگشتاورهای تعمیم یافته (GMM)^۶، رابطه میان توریسم بین‌المللی و نابرابری درآمدی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) طی دوره زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ مورد آزمون و بررسی قرار گرفت. نتایج تجربی حاصل از این تحقیق رابطه مثبت میان درآمد ناشی از توریسم بین‌المللی و بهبود نابرابری درآمدی (کاهش ضریب جینی) در این کشورها را تأیید نموده و بیان می‌دارد که توسعه صنعت توریسم باعث کاهش نابرابری درآمدی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی طی دوره مورد بررسی گردیده است.

کلیدواژگان: کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)، توریسم بین‌المللی، نابرابری، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM).

طبقه‌بندی JEL: O40, L83, C33

1. Organization of the Islamic Conference

۲. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران، mahdieh_rezagholizadeh@yahoo.com

۳. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران، majid_ghaei3@yahoo.com

۴. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران، y.eisazadeh@umz.ac.ir

5. Dynamic Panel Data

6. Generalized Method of Moments

مقدمه

توزیع نامناسب درآمد و عوارض ناشی از آن، موضوعی است که در دهه‌های اخیر به یکی از مسایل مورد توجه اغلب اقتصاددانان تبدیل شده است. امروزه اهمیت توزیع درآمد در جوامع به حدی است که در بسیاری از مکاتب اقتصادی، یکی از اهداف عمده دولت‌ها را تنظیم الگوی مناسب توزیع درآمد و تلاش در مسیر کاهش نابرابری درآمدی ذکر می‌کنند. براساس گزارش‌های سازمان جهانی گردشگری^۱ (WTO)، یکی از عواملی که می‌تواند بر درآمد کشورها و نحوه توزیع آن تأثیرگذار باشد، توسعه صنعت توریسم و درآمدهای ناشی از آن می‌باشد. صنعت توریسم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و پردرآمدترین صنایع جهان در آغاز هزاره سوم بوده که با درآمد سالانه نزدیک به ۱۰۰۰ هزار میلیارد دلار در جهان، در کنار فقرزدایی و اشتغالزایی، در توزیع درآمد نیز موثر می‌باشد. این صنعت یکی از مهم‌ترین پدیده‌های قرن حاضر است که علاوه بر فقرزدایی، عدالت گستری و اشتغالزایی، درآمد بالایی را ایجاد کرده و برای فقرا نیز ایجاد شغل می‌کند (نیکولاس، ۲۰۰۴). این صنعت که پس از صنایع نفت و خودروسازی، سومین صنعت مهم جهان محسوب می‌شود، علاوه بر تأثیرات اقتصادی، عامل مهمی در پیشبرد اهداف اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود و بی‌تردید مهم‌ترین اثرات ناشی از آن، همانا نزدیکی جوامع بشری از طریق تبادلات فرهنگی است. در این میان کشورهای دارای جاذبه‌های توریستی به لحاظ جلوه‌های طبیعی، فرهنگ و تمدن کهن و آثار باستانی و به‌طورکلی پتانسیل‌های بالای جذب گردشگران، استعداد و توانمندی‌های به‌سزایی در جذب جهانگردان دارند که با سرمایه‌گذاری مناسب در بخش‌های مختلف این صنعت و حفظ جایگاه خود در جهان می‌توانند سالانه میلیاردها دلار از این صنعت بهره‌برداری کنند. در کشورهای در حال توسعه مختلف، توریسم یکی از بخش‌هایی است که با سرعت در حال رشد و توسعه می‌باشد و به‌عنوان ابزاری مناسب جهت جذب سرمایه‌گذاری و منابع مالی خارجی و یکی از منابع تامین ارز خارجی محسوب می‌شود. توریسم به‌عنوان یک فعالیت چند بعدی می‌تواند بر جنبه‌های مختلف زندگی و فعالیت‌های اقتصادی تأثیرگذار باشد و لذا رشد و توسعه آن می‌تواند موجب افزایش رشد اقتصادی، درآمد و اشتغال، مطرح شدن کشورها در سطح بین‌المللی، گسترش و توسعه کالاهای تویستی، توسعه زیرساختها، امکانات و خدمات و در نتیجه بهبود توزیع درآمد و کاهش نابرابری در کشورها گردد.

مطابق پیش‌بینی‌های سازمان جهانی گردشگری (WTO)، اگرچه امروزه توریسم در رتبه سوم صنایع

1. World Tourism Organization
2. Nikolas, Dritsakis

جهان قرار دارد، اما تا سال ۲۰۲۰ میلادی، این صنعت رتبه نخست را به خود اختصاص خواهد داد و از این رهگذر سالانه میلیاردها دلار عاید کشورهای پیشرو در زمینه توریسم خواهد شد. طبق همین پیش‌بینی، کشورهای واقع در آفریقا، خاورمیانه و جنوب آسیا که بیشتر کشورهای OIC در این مناطق قرار دارند، همچنان سهم اندکی از درآمدهای این صنعت را به خود اختصاص خواهند داد. این درحالی است که عمده کشورهای اسلامی نظیر مصر، ترکیه، ایران، لبنان، مالزی، تونس، اندونزی و مراکش در ردیف سرزمین‌های پرجاذبه بوده و جاذبه‌های مورد توجه گردشگران را دارا می‌باشند، زیرا کشورهای OIC به لحاظ پراکندگی در سرتاسر دنیا و نیز از لحاظ موقعیت طبیعی و جغرافیایی دارای چشم‌اندازهای زیبا و خارق‌العاده گردشگری هستند. از جنگل‌های حاره‌ای بارانی در کشورهای نظیر مالزی، اندونزی و سنگاپور گرفته تا مناطق بیابانی مصر و سودان در کشورهای اسلامی وجود دارند و همه این کشورها پتانسیل بالایی در جذب توریسم دارند.

اغلب کشورهای OIC، از جمله کشورهای در حال توسعه و یا کمتر توسعه یافته بوده و با معضلاتی همچون سطح پایین درآمد سرانه و توزیع نامناسب درآمد روبرو می‌باشند، لذا این کشورها برای رهایی از چنین مشکلاتی نیازمند توسعه در بخش‌هایی هستند که بتواند توزیع درآمد را بهبود بخشد و نابرابری را کاهش دهد. برای تحقق بهبود توزیع درآمد در جوامع مختلف و از جمله کشورهای OIC، محدودیت‌های متفاوتی مطرح بوده که با توجه به این محدودیت‌ها، راه‌حل‌های متنوعی ارائه و به اجرا گذاشته شده است. یکی از راه‌هایی که موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای را برای برخی کشورها به همراه داشته، اتکا به صنعت توریسم و گسترش آن می‌باشد. به دلیل مزیت‌هایی که صنعت توریست در زمینه فرهنگی و اقتصادی برای جوامع دارد، سرمایه‌گذاری در این بخش می‌تواند فرصتی برای کشورهای اسلامی و ملل مسلمان برای نزدیکی به یکدیگر از یک‌سو، و توسعه آنها از سوی دیگر، باشد. طبق برآوردهای انجام شده تقریباً ۲/۰۸ میلیارد مسلمان اطراف جهان وجود دارد که تقریباً یک‌چهارم جمعیت کل دنیا را شامل می‌شوند و تعداد آنها روزبه‌روز نیز در حال افزایش است، بنابراین ۵۷ کشور عضو کنفرانس اسلامی با حجم تقاضای بالقوه از توریست روبه‌رو هستند. کشورهای OIC با توجه به ذخایر تاریخی و گنجینه‌های فرهنگی - مذهبی در نقاط مختلف سرزمین‌های اسلامی، پتانسیل بالایی در جذب توریست و زائر داشته و با درآمد ایجاد شده از این صنعت می‌توانند نقش مهمی را در بهبود توزیع درآمد ایفا نمایند. لذا در این مطالعه به بررسی رابطه بین درآمد ناشی از توریسم بین‌الملل و توزیع درآمد در کشورهای OIC با استفاده از نظریات اقتصادی و با تکیه بر مدل‌های پانل پویا و به‌کارگیری تخمین‌زن گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)، طی دوره زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ پرداخته می‌شود. به‌همین منظور ابتدا به بررسی وضعیت توریسم در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی پرداخته می‌شود و در ادامه با توجه به

مبانی نظری موجود و مطالعات انجام شده قبلی در زمینه توریسم و توزیع درآمد، مدل تجربی مناسب ارائه شده و در پایان به برآورد و تجزیه و تحلیل نتایج تجربی مدل پرداخته می‌شود.

توزیع درآمد

اهمیت توزیع درآمد مناسب

تردیدی نیست که توزیع درآمد از دیر باز جزء مهم‌ترین بحث‌های اقتصاددانان جهان بوده است، به‌گونه‌ای که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه اقتصادی کشورها همواره مورد توجه سیاست‌گذاران کلان اقتصادی کشورها قرار داشته است. دغدغه توزیع عادلانه درآمد و عدالت اجتماعی دغدغه تازه‌ای نیست، گم‌گشته‌ای است که قرن‌ها بشر را سرگشته خود کرده است، به‌گونه‌ای که تمامی آیین‌های الهی تاریخ بشر مروج عدالت و طرفدار ستیز با بی‌عدالتی بوده‌اند. لذا توسعه نابرابری نه تنها خلاف قانون عدالت است، بلکه دارای پیامدهای خطیر بر سطح و ترکیب تولید، تجارت و مصرف است. این که چگونه با کمترین نهاده، محصول موردنیاز با کیفیت مناسب و مطلوب مصرف‌کننده تولید شود، بخشی از علم اقتصاد است و این که در آمد حاصل از آن چگونه توزیع و مصرف شود، بخشی دیگر. در دین اسلام نیز یکی از اهداف و وظایف هر حکومت اسلامی، ایجاد رفاه عمومی و بهره‌مندی تمامی اقشار جامعه از سطح حداقل معیشت است. براساس اصول علم اقتصاد، وجود نابرابری گسترده در توزیع درآمد به بروز فقر و افزایش دامنه آن منجر می‌شود. البته با توجه به عدم یکسان بودن فرصت‌ها و استعدادها، صحبت از توزیع درآمد کاملاً یکسان، موضوعیت ندارد. اما زیاد بودن فاصله طبقاتی نیز، ویژگی یک اقتصاد ناسالم است. اقتصادی که فقط عده خاصی قادر هستند در آن درآمد کسب کنند و عده قابل توجهی هم در شرایط نامساعد به‌سر می‌برند، قطعاً یک اقتصاد سالم نیست.

مفهوم ضریب جینی

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های نشان‌دهنده وضعیت توزیع درآمد در اقشار مختلف جامعه، ضریب جینی (GINI) می‌باشد. مقدار این ضریب بین صفر و یک متغیر است و هرچه مقدار آن به صفر نزدیکتر باشد یعنی توزیع ثروت عادلانه‌تر و نشان‌دهنده این است که تمام افراد جامعه تقریباً از سطح درآمد یا ثروت یکسانی برخوردار هستند و هرچه به یک نزدیکتر باشد، یعنی ثروت در دست اقشار ثروتمند محدود شده است و توزیع درآمد به سمت نابرابری بیشتر سوق پیدا می‌کند. براساس این معیار، در طبقه‌بندی کشورها براساس واقعیت‌های موجود، کشورهایی که دارای ضریب جینی بیش از ۰/۵ باشند، کشورهای با

توزیع درآمد نابرابر و کشورهای با ضریب جینی ۰/۴ تا ۰/۵ را کشورهای با توزیع درآمد کمتر نابرابر و بالاخره کشورهایی با ضریب جینی کمتر از ۰/۴ را کشورهایی با توزیع درآمد خوب می‌دانند.

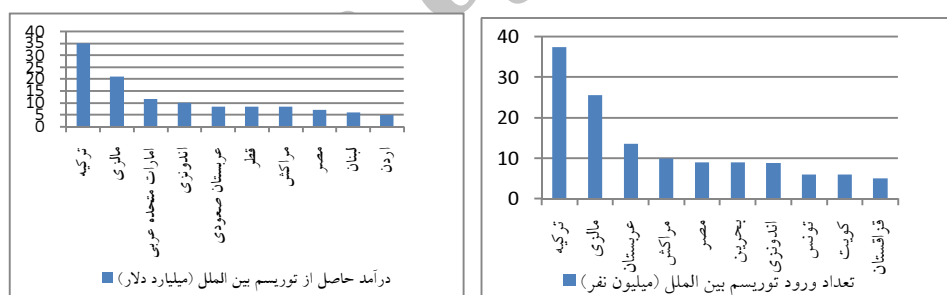
بررسی وضعیت توریسم در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی^۱

۵۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی، بخش‌های وسیعی را در قاره‌های چهارگانه به جز استرالیا به خود اختصاص داده‌اند. این کشورها یک ششم مساحت کره زمین و یک پنجم سکنه آن را تشکیل داده‌اند و اعضای آن نیز بخش مهمی از کشورهای در حال توسعه را شکل می‌دهند. این کشورها دارای نقاط قوت فراوانی جهت جذب گردشگران خارجی و به‌ویژه مسافران مذهبی می‌باشند. مهمترین نقطه اشتراک ملت‌های اسلامی وجود سنخیت فرهنگی میان مردم می‌باشد، آن‌ها زبان فرهنگی مشترکی دارند و براساس اعتقاداتشان می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و همگی زیر چتر اسلام هستند. از طرف دیگر برخی از این کشورها با بهره‌گیری از اقتصاد نفت و از نظر دارا بودن برخی تاسیسات زیربنایی، دیگر در آن فقر قدیمی نیستند و امکانات اقامتی، حمل و نقل، دسترسی به مواد مصرفی و غذای کافی در این کشورها وجود دارد. علاوه بر آن قلمرو جغرافیایی که در آن قرار گرفته‌اند، سبب شده است تا به‌طور متنوعی به بیابانهای خشک، کویرها، مناطق کوهستانی، سواحل، آبشارها، آب‌های معدنی، منابع گوناگون اکوتوریستی، شکار و جزایر دسترسی داشته باشند. از سوی دیگر کشورهای اسلامی در حوزه تمدن قدیم قرار دارند و این پتانسیل بالا در زمینه تجربه دوره‌های مختلف تاریخی، آنها را تبدیل به کشورهای جذابی کرده است.

براساس آمارهای به‌دست آمده از سازمان جهانی گردشگری (WTO) و گزارش مرکز آموزش و پژوهش اجتماعی و داده‌های اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، ورود توریسم بین‌المللی در کشورهای OIC در سال ۲۰۰۹ برابر با ۱۵۶/۳ میلیون نفر بوده که معادل ۱۷/۸ درصد ورود توریسم بین‌المللی در کل دنیا می‌باشد. میزان درآمد حاصل از این گردشگران برابر با ۱۲۱/۳ میلیارد دلار می‌باشد که ۱۴/۲ درصد نسبت کل درآمد حاصل از توریسم بین‌المللی در دنیا را تشکیل می‌دهد. به دلیل وقوع بحران مالی در سال ۲۰۰۸ درآمد حاصل از توریسم در کشورهای OIC در سال ۲۰۰۹ نسبت به سال ۲۰۰۸ حدود ۲/۴ درصد کاهش یافته است. ولی سهم گروه OIC از درآمد حاصل از توریسم بین‌المللی

۱. داده‌ها و اطلاعات ارائه شده در این بخش از گزارش ارائه شده از مرکز آموزش و پژوهش اجتماعی و داده‌های اقتصادی کشورهای اسلامی (SESRIC) جمع‌آوری شده است.

در سال ۲۰۱۰ بار دیگر حدود ۰/۲ درصد افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۱ صنعت توریسم در کشورهای اسلامی بر اثر وقوع تحولات اجتماعی و وقوع اعتراضات و تغییر رژیم‌های سیاسی با رکود مواجه شد به طوری که سهم درآمد حاصل از توریسم بین‌المللی در این کشورها به کل دنیا از ۱۴/۴ در سال ۲۰۱۰ به ۱۳/۳ در سال ۲۰۱۱ کاهش یافت. همزمان با احیا شدن دوباره اقتصاد در کشورهای غربی مخصوصاً مناطق صادرکننده توریست مانند آمریکا و اروپا، وضعیت توریسم بین‌المللی در سال ۲۰۱۲ در کشورهای عضو OIC، مخصوصاً کشورهای ترکیه، اندونزی و مالزی بهتر شد، به طوری که دو شاخص عمده توریسم بین‌المللی یعنی ورود گردشگران خارجی و درآمد حاصل از گردشگران خارجی در کشورهای اسلامی نسبت به کل دنیا به ترتیب ۰/۶ و ۴/۲ درصد افزایش یافت. در سال ۲۰۱۳ نیز براساس آمار و اطلاعات موجود، وضعیت توریسم بین‌المللی در کشورهای اسلامی با توجه به دو شاخص ورود گردشگران و درآمد گردشگران، از بهبود نسبی برخوردار بوده و نسبت این دو شاخص به کل توریسم بین‌المللی به ترتیب برابر با ۱۶/۱ و ۱۲ درصد می‌باشد که نشان‌دهنده ۳/۳ درصد افزایش در تعداد ورود گردشگران و ۰/۲ درصد افزایش در درآمد حاصل از گردشگران بوده است. در این سال متوسط درآمد گردشگران به ازای هر نفر گردشگر در کشورهای مورد مطالعه برابر ۸۲۵ دلار بوده و ده کشور برتر این گروه شامل ترکیه، مالزی، عربستان سعودی، مراکش، مصر، بحرین، اندونزی، تونس، کویت و قزاقستان مجموعاً ۷۵/۲ درصد از بازار گردشگری کشورهای OIC را در این سال به خودشان تخصیص داده‌اند. نمودارهای زیر تعداد گردشگران بین‌المللی (میلیون نفر) و درآمد حاصل از گردشگران بین‌المللی (میلیون دلار) را در ده کشور برتر عضو کنفرانس اسلامی نشان می‌دهد:



نمودار ۱. تعداد ورود توریسم بین‌المللی (میلیون نفر) و درآمد حاصل از توریسم بین‌المللی (میلیارد دلار) در ده کشور برتر OIC

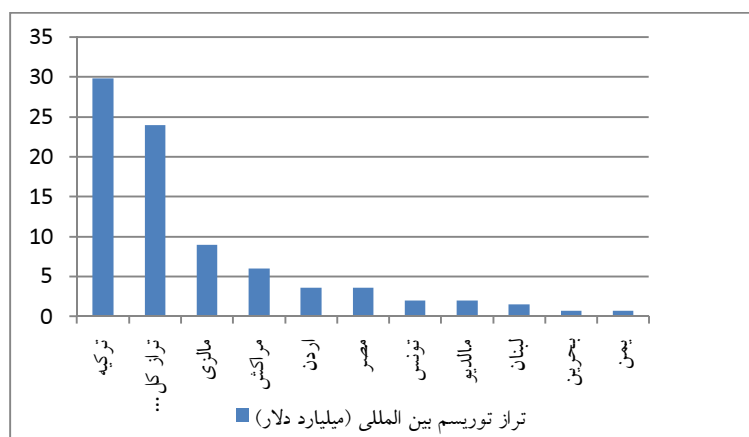
منبع: SESRIC, 2015

همان‌طور که در نمودارهای فوق مشاهده می‌شود، علیرغم این که کشور ایران به‌عنوان یکی از کشورهای غنی در زمینه گردشگری مطرح می‌باشد، هیچ جایگاهی در ۱۰ کشور برتر این گروه ندارد. این در حالی است که اغلب کشورهای برتر طی دوره مورد بررسی (۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳)، با ناآرامی‌های اجتماعی نیز روبه‌رو بوده‌اند. کشور ترکیه به‌عنوان یکی از کشورهای رقیب منطقه‌ای ایران توانسته است سهم بالایی از بازار گردشگری را به خود اختصاص دهد به‌گونه‌ای که این کشور و کشور مالزی به ترتیب حایز رتبه ششم و دهم مقصد گردشگری دنیا می‌باشند. با توجه به موضوع اصلی اقتصاد کشور ایران یعنی کاهش درآمدهای نفتی و اتکا به اقتصاد مقاومتی، می‌توان مقایسه‌ای بین کشور ایران و ترکیه انجام داد. کشور ترکیه دارای درآمدهای عظیم نفتی مانند کشور ایران نیست ولی به لحاظ درآمد حاصل از توریسم در رتبه ششم دنیا و اول کشورهای اسلامی قرار دارد. این در حالی است که ایران به لحاظ دارا بودن ابنیه و آثار تاریخی نظیر تخت جمشید، چغازنبیل، تخت سلیمان و شهر سوخته و ... جزو نه کشور اول جهان از لحاظ جاذبه‌های گردشگری محسوب می‌شود. ایران همچنین به دلیل برخورداری از تنوع حیات وحش و طبیعت زیبای خود، در ردیف کشورهای مطرح جهان قرار دارد. مناطق جنگل‌های هیرکانی و خط‌الرأس‌های کوهستانی و پیست‌های اسکی هر یک می‌تواند به‌عنوان یکی از جاذبه‌های توریستی ایران برای گردشگران مسلمان به‌حساب آید. هانس برگر^۱ نویسنده آلمانی در مقدمه کتاب خود پیرامون سفرش به ایران در سال ۱۹۹۱ می‌نویسد: «نه تنها مردم ایران، بلکه دیدنی‌های این سرزمین، شگفتی‌آفرین است. مناظر متنوع، از مناطق کویری ایران مرکزی و کوهپایه‌های جنگلی مجاور دریای خزر در شمال تا شهرهای حاشیه خلیج فارس در جنوب ایران، در نهایت گوناگونی هستند و این تنوع را در میان فرهنگ‌ها، مردمان و اقوام ایرانی نیز می‌توان به‌خوبی مشاهده کرد». بنابراین یکی از مظاهر اقتصاد مقاومتی توجه به توریسم بین‌المللی و سرمایه‌گذاری در این زمینه می‌تواند باشد.

در ادامه به بررسی و تجزیه و تحلیل تراز مخارج انجام شده در بخش توریسم بین‌الملل^۲ و درآمدهای حاصل از آن طی دوره زمانی تحقیق پرداخته می‌شود و سپس از شاخص نسبت تراز توریسم به GDP و نسبت درآمد حاصل از توریسم به کل صادرات به‌عنوان شاخصی برای بررسی رابطه توریسم و اقتصاد استفاده می‌شود.

1. Hans Berger, 2005

۲ تراز توریسم بین‌المللی = درآمدهای حاصل از توریسم - مخارج انجام شده در زمینه توریسم



نمودار ۲. تراز تورسیم بین‌المللی (میلیارد دلار) در ده کشور برتر OIC

منبع: SESRIC, 2015

همان‌طور که در نمودار فوق مشاهده می‌شود، ۱۰ کشور برتر در زمینه تراز تورسیم بین‌المللی به ترتیب عبارتند از ترکیه، مالزی، مراکش، اردن، مصر، تونس، مالدیو، لبنان، بحرین و یمن. این نمودار نشان می‌دهد که اغلب کشورهای برتر در این زمینه‌های کشورهایی هستند که به لحاظ مقصد و درآمد گردشگری در رتبه‌های برتر گروه قرار دارند. متوسط تراز تورسیم کشورهای OIC برابر با ۲۳/۸ میلیارد دلار می‌باشد که این رقم اختلاف معنی‌داری با تراز تورسیم بین‌المللی کشور ترکیه با رقمی در حدود ۳۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ دارد.

بررسی آمار به‌دست آمده در خصوص نسبت تراز تورسیم بین‌المللی به GDP و نسبت درآمد تورسیم به صادرات در کشورهای مورد مطالعه طی دوره زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که نقش تورسیم بین‌المللی در اقتصاد کشورهای عضو OIC نه به اندازه این کشورها و نه به میزان ثروت ملی این کشورها بستگی دارد. به‌عنوان مثال کشور مالدیو که جزء کوچک‌ترین کشورهای این گروه محسوب می‌شود و فاقد منابع طبیعی نیز می‌باشد، با میانگین ۶۶/۷ درصد از نسبت تورسیم به GDP، بالاترین مقدار را از نظر این شاخص در بین کشورهای عضو دارا می‌باشد. در حالی که متوسط نسبت تراز تورسیم بین‌المللی به GDP کشور ایران علیرغم در اختیار داشتن منابع عظیم نفتی، وسعت چندین برابر نسبت به مالدیو و داشتن جاذبه‌های فراوان گردشگری، برابر با ۱/۲۳- طی دوره زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ است. متوسط این نسبت در کشورهای OIC در این دوره برابر با ۰/۲۶ درصد است که ۳۱ کشور از جمله ایران پائین‌تر از متوسط گروه از این حیث قرار دارند.

آمار مربوط به نسبت درآمد تورسیم به کل صادرات که به‌منظور ارزیابی نقش و اهمیت تورسیم بین‌المللی به‌عنوان منبع تامین‌کننده ارز خارجی کشورها استفاده می‌شود، نیز نشان‌دهنده این است که

کشور مالدیو از این حیث نیز حایز رتبه اول در بین کشورهای اسلامی بوده و مقدار شاخص آن بسیار بالاتر از متوسط کشورهای OIC (۷/۳۰) می‌باشد. متوسط این شاخص برای ایران طی دوره زمانی تحقیق برابر با ۲/۲۵ درصد می‌باشد که از مقدار متوسط گروه OIC بسیار پائین‌تر است. تمام کشورهای نفتی عضو اوپک در این گروه، از نظر این شاخص پائین‌تر از متوسط گروه قرار دارند که می‌تواند یکی از نشانه‌های نفرین منابع در این کشورها باشد.

مبانی نظری

مطالعاتی که در رابطه با صنعت توریسم و توزیع درآمد صورت گرفته است، نشان می‌دهد که توریسم هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم از طریق تاثیرگذاری بر رشد اقتصادی می‌تواند توزیع درآمد را تحت تاثیر قرار دهد. در این قسمت ابتدا مبانی نظری مربوط به تاثیرگذاری مستقیم توریسم بر نابرابری بیان گردیده و سپس به ادبیات نظری مربوط به تاثیرگذاری توریسم بر رشد اقتصادی که به صورت غیرمستقیم نابرابری و توزیع درآمد را تحت تاثیر قرار می‌دهد، اشاره خواهد شد.

تاثیر مستقیم توریسم بر نابرابری

صنعت توریسم به عنوان یکی از پردرآمدترین صنایع جهان در سال‌های اخیر، در ایجاد شغل برای فقرا نیز موثر بوده است. درآمدهای حاصل از این صنعت با اشتغال‌زایی و رونق کسب کارهای کوچک و بزرگ، می‌تواند یکی از عوامل تاثیرگذار بر کاهش نابرابری درآمدی بوده و منجر به عدالت گسترتری شود. اما لازم به ذکر است درحالی که توریسم مزایای اقتصادی فراوانی به همراه دارد، این امکان نیز وجود دارد که تورم و افزایش عمومی قیمت‌ها را به همراه داشته باشد و یا ممکن است موجب کمبود کالاهایی برای مردم بومی گردد (مسون^۱، ۲۰۰۳).

در زمینه ارتباط کلی بین توریسم و نابرابری درآمدی در بین محققان اختلاف نظر وجود دارد، به گونه‌ای که عده‌ای از آن‌ها نظیر بلیک و همکاران^۲ (۲۰۰۸) معتقدند که گسترش این صنعت نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهد و توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد، اما افرادی دیگر نظیر لی^۳ (۲۰۰۸) معتقدند که در کشورهای مرتبط با صنعت توریسم، نابرابری درآمدی بیشتر از کشورهای است که تاثیرپذیری کمتری

1. Mason

2. Blake, Adam. Arbache, J. Thea Sinclair, M and Vladimir Kuhl Teles

3. Lee, C-C, Chien

از این صنعت دارند، زیرا با گسترش صنعت توریسم، درآمد حاصل از آن بیشتر به سمت گروه‌هایی که فعالیت‌های مرتبط با این صنعت را دارند، جریان پیدا کرده و توزیع درآمد حاصل از این صنعت بیشتر در دست افرادی است که خدمات مرتبط با صنعت توریسم مانند فعالیت‌های مربوط به خدمات هتل‌داری و رستوران‌ها، فعالیت‌های مربوط به امور تفریحی و صنایع دستی و بومی و همچنین آژانس‌های مسافرتی را دارند. پس در نتیجه نابرابری درآمدی در سطح کل جامعه افزایش می‌یابد (لی، ۲۰۰۸). بنابراین می‌توان گفت صنعت توریسم دارای تأثیرات مثبت و منفی بر جامعه میزبان بوده و اندازه این تأثیر بستگی به عوامل متعددی دارد.

تأثیر غیرمستقیم توریسم بر نابرابری از طریق رشد اقتصادی

توریسم و رشد اقتصادی

رشد و توسعه اقتصادی از جمله اهدافی است که هر اقتصادی دنبال می‌کند که دلیل این مساله نیز وجود منافع و مزایای فراوانی است که در روند رشد تحقق می‌یابد. اما دستیابی به رشد اقتصادی بالا و پایدار نیازمند پاسخ به این سؤال است که، چه عواملی نرخ رشد اقتصادی را تأمین می‌کند؟ و یا نرخ رشد اقتصادی چگونه و از طریق چه عوامل و سیاست‌هایی تحت تأثیر قرار می‌گیرد؟ در میان عوامل مختلف موثر بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها، صنعت توریسم یکی از عواملی است که گسترش آن موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای را برای برخی کشورها به دنبال داشته است. به نظر او^۱ (۲۰۰۵) صنعت توریسم می‌تواند تأثیر مهمی بر افزایش اشتغال، درآمدهای مرتبط با مکان‌های اقامتی و نیز درآمدهای دولتی کشورها داشته باشد. فرضیه توریسم منجر به رشد که حالت خاصی از فرضیه صادرات منجر به رشد می‌باشد، مبنای بسیاری از مطالعات اقتصادی در سطح جهانی قرار گرفته و در بیشتر موارد، درستی آن به اثبات رسیده است. این نظریه استدلال می‌کند که رشد اقتصادی یک کشور نه تنها تابعی از نیروی کار، سرمایه و سایر عوامل موثر در اقتصاد آن کشور است، بلکه می‌تواند تحت تأثیر میزان درآمد ناشی از توریست وارد شده به آن کشور نیز باشد. به‌طور کلی توریسم به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد (طیبی و همکاران، ۱۳۸۷):

الف: اثر مستقیم: هرچه تعداد ورود توریست بین‌المللی به یک کشور افزایش یابد، درآمد حاصل از آن نیز افزایش می‌یابد. از آنجایی که توریسم یکی از صنایع خدماتی است، درآمد حاصل از این صنعت

1. Oh

بخشی از تولید ناخالص داخلی کشور میزبان محسوب شده و مستقیماً بر رشد اقتصادی آن کشور تاثیر می‌گذارد. از این رو، صنعت توریسم می‌تواند راهکاری مناسب برای کسب درآمدهای ارزی سرشار برای کشورها و در نتیجه رشد اقتصادی بالاتر باشد. به‌عنوان نمونه در سال ۱۹۹۸ توریسم بین‌المللی حدود ۸ درصد از کل درآمدهای جهان و ۳۷ درصد از صادرات بخش خدمات را به خود اختصاص داده است (رهبری، ۲۰۰۵). همچنین بر اساس پیش‌بینی‌های رسمی سازمان جهانی گردشگری، درآمد حاصل از توریسم در سطح جهان تا سال ۲۰۲۰، به ارزش تقریبی ۲ تریلیون دلار در هر سال خواهد رسید.

ب: اثر غیر مستقیم: توریسم به صورت غیرمستقیم نیز بر رشد اقتصادی تاثیرگذار است، چرا که اثر پویایی را در کل اقتصاد به شکل اثرات سرریز^۱ و یا دیگر آثار خارجی^۲ نشان می‌دهد (مارین، ۱۹۹۲). به این صورت که اگر توریسم به دلیل تعامل زیاد با دیگر فعالیتهای اقتصادی، دچار رونق شود، سایر فعالیتهای اقتصادی که به آن کالا یا خدمت ارائه می‌دهند و یا محصول آن را مصرف می‌کنند، همراه با آن حرکت خواهند کرد.

بنابراین طبق مباحث فوق، گردشگری و مخارج توریسم می‌تواند به‌عنوان موتور برای رشد اقتصادی عمل نماید و باعث رونق سایر فعالیتهای مرتبط با آن نیز گردد.

رشد اقتصادی و نابرابری

تأثیر رشد اقتصادی بر نابرابری احتمالاً به شرایط اولیه در اقتصاد وابسته می‌باشد. مطالعات انجام شده قبلی بیان کرده‌اند که ویژگی‌های اولیه یک اقتصاد مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رابطه نابرابری و رشد می‌باشد. هم لوئیس^۳ (۱۹۵۴، ۱۹۵۵، ۱۹۸۳) و هم کوزنتس^۴ (۱۹۵۵) پیشنهاد کرده‌اند که رابطه بین نابرابری و رشد اقتصادی به صورت U معکوس می‌باشد. بر اساس نظریه U معکوس کوزنتس، در ابتدای مسیر رشد اقتصادی در کشورها نابرابری درآمدی افزایش یافته و پس از ثابت ماندن در سطح معینی به تدریج کاهش می‌یابد. لوئیس (۱۹۸۳)، توضیح شهودی برای افزایش نابرابری در مراحل اولیه توسعه ارائه کرد: «توسعه باید مساوات طلب باشد زیرا در یک زمان مشابه در هر بخش از اقتصاد شروع

1. Spillovers
2. Externalities
3. Lewis
4. Kuznets

نمی‌شود». توزیع نابرابر اولیه ثروت و کمبود دسترسی به شکل‌های مختلف دارایی‌های بهره‌ور، در رو به وخامت رفتن توزیع درآمد با رشد اقتصادی در کشورهای کم درآمد نقش دارد. ابتدائاً کسانی که صاحب سرمایه‌های انسانی، مالی و فیزیکی هستند بیشتر از دیگران از رشد اقتصادی منفعت می‌برند.

مطالعات انجام شده

رابطه موجود بین توریسم و نابرابری از جمله موضوعاتی است که علیرغم اهمیت بالای آن از نظر پژوهشگران خارجی، تاکنون در داخل کشور به آن توجه چندانی نشده و مطالعه جدی بر روی آن صورت نگرفته است. در ذیل به مهم‌ترین مطالعات انجام شده در سال‌های اخیر در خصوص رابطه بین توریسم با نابرابری اشاره شده است:

- کاراسکال^۱ (۲۰۱۵)، در مطالعه‌ای به بررسی تاثیر توریسم بر توزیع درآمد در گروه‌های درآمدی مختلف در گالیسیا در سال ۲۰۰۸ پرداخت. وی به منظور بررسی رابطه فوق از ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) استفاده نموده و نتیجه گرفته است که توریسم نقش موثری در کاهش نابرابری داشته و اثرات مثبت توسعه این صنعت بر توزیع درآمد در تمامی گروه‌های درآمدی مورد مطالعه قابل توجه است.

- پترا گاتی^۲ (۲۰۱۳)، اثر تغییر در تقاضای توریسم را بر درآمد خالص و مصرف خانوار در کرواسی مورد بررسی قرار داده است. وی به منظور بررسی روابط فوق از مدل تعادل عمومی (CGE) استفاده نموده و از شاخص اتکینسون به منظور مطالعه اثرات توزیعی توریسم استفاده نموده است. یافته‌های پژوهش وی نشان می‌دهد، اثرات توزیعی که توسط شاخص اتکینسون اندازه‌گیری شده، بیانگر این است که ورود گردشگران نابرابری درآمدی را کاهش داده و به بهبود توزیع درآمد کمک نموده است.

- سورج^۳ (۲۰۱۱)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر توریسم بر نابرابری و توزیع درآمد در مجموعه‌ای از کشورها پرداخته و بدین منظور از اطلاعات بین کشوری و روش داده‌های تابلویی استفاده نموده است. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که توریسم تاثیر منفی بر نابرابری در کشورهای مورد مطالعه داشته و آن را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر توسعه صنعت توریسم در این کشورها منجر به بهبود توزیع درآمد در این کشورها می‌شود.

- مصطفوی و همکاران (۱۳۹۲)، در مطالعه خود تاثیر درآمدهای توریسم را بر نابرابری درآمدی در

1. Carrascal
2. Petra Gatti
3. Suraj

منتخبی از کشورهای در حال توسعه مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها با استفاده از داده‌های تلفیقی کشورهای فوق طی دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۷ رابطه فوق را ارزیابی نموده و نتیجه گرفته‌اند که درآمدهای ناشی از توریسم تاثیر مثبت و معنی‌داری بر نابرابری درآمد این مجموعه از کشورها داشته است.

- دایی کریم‌زاده و شاکرمی (۱۳۸۹)، در مطالعه‌ای به بررسی اثر توریسم بر نابرابری درآمدی در کشورهای گروه D8 پرداخته‌اند. ایشان به منظور بررسی رابطه فوق از داده‌های تابلویی کشورهای گروه D8 طی دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۹۰ استفاده نموده و نتیجه گرفته‌اند که توسعه توریسم تاثیر مثبت بر کاهش نابرابری داشته و توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد.

تخمین و برآورد مدل

مدل‌سازی تحقیق

برای تجزیه و تحلیل رابطه بین توریسم بین‌المللی و نابرابری درآمدی از مدل (۱) استفاده می‌شود. در این مدل، نابرابری درآمدی بوسیله سطح GDP سرانه توضیح داده می‌شود و مجذور GDP سرانه برای کنترل کردن متغیرهای دیگر و ویژگی‌ها یا شرایط خاص در نمونه‌های مختلف به کار می‌رود (بارو، ۲۰۰۰).^۱

$$G = \alpha + \beta_1 y + \beta_2 y^2 + \sum_{i=3}^m \beta_i V_i \quad i = 3 \dots m \quad (1)$$

در معادله بالا، G بیانگر ضریب جینی، y سطح درآمد سرانه و V_i متغیر کنترلی استفاده شده در مدل است که بیانگر سایر متغیرهای تأثیرگذار بر توزیع درآمد است. مدل (۱) یک مدل عمومی است که برای آزمون فرضیه U معکوس نیز به کار می‌رود.

همانطور که ذکر گردید، هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم درآمد ناشی از توریسم بین‌المللی بر نابرابری درآمدی می‌باشد. برای بررسی وجود یا عدم وجود رابطه U معکوس که رابطه توزیع درآمد (که با ضریب جینی اندازه‌گیری می‌شود) و سطح توسعه اقتصادی (که به وسیله GDP سرانه اندازه‌گیری می‌شود) را نشان می‌دهد از معادله (۲) استفاده شده و برای بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم توریسم بر نابرابری در کشورهای مورد مطالعه، از معادله (۳) استفاده می‌شود، بدین صورت که ابتدا معادله (۲) به عنوان مدل پایه برآورد می‌شود و فرضیه U معکوس کوزنتس و رابطه بین نابرابری

1. Barro

و رشد اقتصادی مورد تخمین قرار می‌گیرد (این معادله تنها برای اثبات وجود یا عدم وجود رابطه کوزنتس برآورد می‌گردد) و سپس در ادامه با اضافه کردن سایر متغیرهای توضیحی و متغیر توریسیم به مدل (۲) تاثیر توریسیم، رشد اقتصادی و سایر متغیرهای توضیحی بر نابرابری در قالب مدل (۳) مورد بررسی قرار می‌گیرد که در واقع تاثیر مستقیم و غیرمستقیم توریسیم بر نابرابری را نشان می‌دهد:

$$LG_{it} = C + \beta_1 LG_{it-1} + \beta_2 LGDPPC_{it} + \beta_3 L(GDPPCsq)_{it} + U_{it} \quad (2)$$

$$LG_{it} = C + \beta_1 LG_{it-1} + \beta_2 LGDPPC_{it} + \beta_3 L(GDPPCsq)_{it} + \beta_4 LTO_{it} + \beta_5 LHC_{it} + \beta_6 LOPEN_{it} + \beta_7 LK_{it} + \beta_8 (LTO_{it} * LGDPPC_{it}) + U_{it} \quad (3)$$

که در آن:

G_{it} : ضریب جینی در دوره t

G_{it-1} : ضریب جینی در دوره t-1

$LGDPPC_{it}$: لگاریتم طبیعی تولید ناخالص داخلی (GDP) واقعی سرانه

$LGDPPC_{sq}$: لگاریتم طبیعی دوم تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه

LTO_{it} : لگاریتم طبیعی درآمد حاصل از ورود توریست‌های بین‌المللی به کشور مقصد.

LHC_{it} : لگاریتم نرخ ناخالص ثبت نام دانش‌آموزان در مقاطع مختلف که به‌عنوان جانشینی^۱ جهت اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی استفاده می‌شود.

$LOPEN_{it}$: لگاریتم طبیعی نسبت صادرات و واردات به کل GDP که نشان‌دهنده درجه باز بودن اقتصاد است.

LK_{it} : لگاریتم طبیعی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص که به صورت درصدی از GDP واقعی بوده و به عنوان جانشینی برای موجودی سرمایه در نظر گرفته می‌شود (لوکاس^۲ (۱۹۸۸)، بارو^۳ (۱۹۹۰)، گروسمن و هلپمن^۴ (۱۹۹۱)، بارو و مارتین^۵ (۱۹۹۲)، بارو و لی^۶ (۱۹۹۴)، یاوروی و همکاران (۱۳۸۹)).

$LTO_{it} * LK_{it}$: متغیر تقاطعی (ترکیبی) است که از حاصل ضرب دو متغیر توریسیم و تولید ناخالص داخلی سرانه به دست آمده است و بیانگر اثر ترکیبی رشد اقتصادی و توریسیم بین الملل بر

1. Proxy

2. Lucas, 1988

3. Barro, 1990

4. Grossman and Helpman, 1991

5. Barro and Sala.i. Martin, 1992

6. Barro and Lee, 1994

نابرابری درآمدی است و یا به عبارت دیگر با استفاده از این متغیر می توان تاثیر غیرمستقیم توریسم بر نابرابری از طریق تاثیر بر رشد اقتصادی را مورد آزمون قرار داد. بنابراین با توجه به مدل (۳) کل تاثیر توریسم بر نابرابری برابر است با:

که ضریب β_4 نشان دهنده تاثیر مستقیم توریسم بر نابرابری بوده و $\beta_8 LGDPPC$ بیانگر تاثیر غیرمستقیم توریسم بر نابرابری از طریق تاثیر بر رشد اقتصادی می باشد که تحت تاثیر سطح رشد اقتصادی کشورها قرار دارد.

t: نشان دهنده سال و i نشان دهنده کشور است.

آمار و اطلاعات مورد نیاز جهت این مطالعه از داده های سازمان جهانی گردشگری^۱ (WTO)، شاخص های توسعه بانک جهانی (2007) WDI^۲ و گزارش های دفتر آموزش و توسعه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (SESRIC)^۳ به دست آمده است.

به منظور تخمین مدل های ارائه شده از الگوی پانل دیتا که به فرم کلی زیر است، استفاده می شود:

$$(4) Git = \delta_i + \Gamma t + (Xit)\Phi + \psi_{it}$$

که در آن:

Git: ضریب جینی در کشور i در سال t

Xit: بردار متغیرهای توضیحی (شامل درآمد حاصل از ورود توریست های بین المللی، تولید ناخالص

داخلی سرانه و ...) برای کشورهای i = 1, 2, ..., m در زمان t = 1, 2, ..., T

Φ : یک بردار اسکالر (ماتریس تک عنصری) از پارامترهای β_1, \dots, β_7

ψ_{it} : جزء اخلاص تصادفی می باشد که: $E(\psi_{it}) = 0$, $Var(\psi_{it}) = \sigma^2 \epsilon$

δ_i و Γt : نیز به ترتیب نشان دهنده تأثیرات ویژه مقاطع و زمان می باشند.

بر اساس تأثیرات ویژه زمانی و مکانی (δ_i و Γt)، فرض های مختلف تخمین مدل بررسی می شوند و

هر کدام که نتایج بهتری را ارائه کردند، جهت تفسیر انتخاب می شود.

-
1. World Tourism Organization
 2. World Bank Development Indicators
 ۳. Statistical Economic and Social Research and Training Center for Islamic Countries (SESRIC)

با فرض اینکه اثرات ویژه مقطعی^۱، در بین مقاطع مورد مطالعه (کشورهای عضو کنفرانس اسلامی) ثابت و اثرات ویژه زمانی^۲ نیز وجود نداشته باشد ($\delta_i = \lambda_i, \Gamma t = 0$)، آنگاه مدل (۳) با روش حداقل مربعات معمولی^۳ (OLS) تخمین زده خواهد شد. اگر فرض کنیم اثرات ویژه مقطعی ثابت ولی برابر نباشند ($\delta_i = \lambda_i, \Gamma t = 0$)، در نتیجه تکنیک مورد نظر جهت تخمین مدل، روش اثرات ثابت می‌باشد و فرض سوم این است که اثرات ویژه مقطعی ثابت نیستند ولی تصادفی هستند و اثرات ویژه زمانی نیز وجود ندارد

$$E(w_i) = 0, \text{Var}(w_i) = \sigma^2 w, \text{cov}(\psi_i, w_i) = 0 \text{ و } (\delta_i = \lambda + w_i, \Gamma t = 0)$$

در این حالت، مدل (۴)، یک مدل اثرات تصادفی^۴ است که با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته^۵ (GLS) برآورد می‌شود.

در اغلب مدل‌ها، متغیرهای توضیحی مدل یا دارای خاصیت درون‌زایی^۶ قوی هستند و یا مقدار متغیر وابسته مدل در دوره‌های قبل نیز بر آن تأثیر دارد و یا هر دو مورد در مدل وجود دارند. (ایچینو و همکاران، ۲۰۰۴)^۷ جهت رفع این مشکلات و تخمین این مدل‌ها، آرلانو و باند^۸ یک روش پویا ارائه کرده‌اند که به صورت زیر است:

$$\Delta \text{Git} = \alpha \Delta \text{Git} + \beta' \Delta \text{Git} + \gamma' \text{Zit} + \text{vit} + \epsilon_{it} \quad (5)$$

که در آن:

ΔGit : اولین تفاضل لگاریتم طبیعی رشد ضریب جینی در کشور i در طول دوره t

$\Delta \text{Git}-1$: تفاضل متغیر وابسته با تأخیر زمانی

$\Delta \text{Xit}-1$: بردار متغیرهای تأخیری و متغیرهای درون‌زای تفاضلی

Zit : بردار متغیرهای درون‌زا و α, β, γ نیز نشان‌دهنده پارامترهای برآورد شده می‌باشند.

$\text{vit}, \epsilon_{it}$: فرض می‌شود که در همه زمان‌ها در کشور i مستقل هستند.

عبارت vit به اثرات ویژه مقطع i اشاره دارد که به‌طور مستقل و به‌طور یکسان در همه کشورها توزیع

1. Country specific effects

2. Time specific effects

3. Ordinary Least Squares

4. Random-effects

5. Generalized Least Squares

6. Endogeneity

7. J. Eugenio-Martin, N. Morales, R. Scarpa, (2004)

8. Arellano-Bond estimation (1991)

شده است. در حالی که ϵ_{it} جزء اخلاص تصادفی است و فرض می‌شود که به‌طور مستقل توزیع شده است. در این مطالعه جهت کنترل تورش بالقوه و همچنین درونزایی متغیرها از تخمین‌زن گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) به‌منظور بررسی تأثیر توریسم بین‌الملل و سایر متغیرهای توضیحی بر توزیع درآمد در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) استفاده می‌شود.

برآورد مدل

همان‌گونه که بیان گردید، در این مطالعه از تخمین‌زن گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) که توسط آرلانو و بوند^۱ پیشنهاد شده و سپس به صورت وسیع‌تر توسط بلاندل و بوند^۲ گسترش یافته است، به‌منظور کنترل درونزایی در تخمین مدل استفاده شده است. تخمین‌زن GMM در مطالعات تجربی اخیر مخصوصاً مطالعات اقتصاد کلان و مالی به‌طور وسیعی مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده از این روش جهت تخمین مدل مزیت‌های فراوانی دارد. برای مثال بک، لوین و لویاز^۳، استفاده از این تخمین‌زن را جهت برطرف کردن واریانس داده‌های سری زمانی بسیار مناسب می‌دانند. تخمین‌زن GMM با محاسبه تأثیرات ویژه فردی^۴ مشاهده نشده در مدل (که به صورت وارد کردن متغیر وابسته با وقفه به‌عنوان یک متغیر توضیحی در مدل انجام می‌شود)، کنترل بهتری بر درونزایی کل متغیرهای توضیحی مدل فراهم می‌کند. در تخمین مدل به روش GMM، لازم است ابتدا متغیرهای ابزاری به‌کار رفته در مدل مشخص شوند. سازگاری تخمین‌زننده GMM به معنی بودن فرض عدم همبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها بستگی دارد که می‌تواند به‌وسیله دو آزمون تصریح شده توسط آرلانو و باند (۱۹۹۱)، آرلانو و بوور^۵ (۱۹۹۵) و بلوندل و باند (۱۹۹۸) آزمون شود. اولی آزمون سارگان^۶ از محدودیتهای از پیش تعیین شده است که معتبر بودن ابزارها را آزمون می‌کند. دومی آماره M2 است که وجود همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطای تفاضلی مرتبه اول را آزمون می‌کند. عدم رد فرضیه صفر هر دو آزمون شواهدی را دال بر فرض عدم همبستگی سریالی و معتبر بودن ابزارها فراهم می‌کند. تخمین‌زننده GMM در صورتی سازگار است که همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطا از معادله تفاضلی مرتبه اول وجود نداشته باشد. با توجه به تخمین مدل به روش GMM،

-
1. Arellano and Bond (1991)
 2. Blundell and Bond (1998)
 3. Beck, Levine and Loayza (2000)
 4. Individual Specific Effects
 5. Arellano and Bover
 6. Sargan test

نتایج تجربی حاصل از تخمین معادلات (۲) و (۳) در جدول زیر ارائه شده است:
 جدول ۱. آزمون فرضیه U معکوس کوزنتس و بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم

توریسم بین‌المللی بر نابرابری در کشورهای OIC

| متغیر وابسته لگاریتم ضریب جینی | | | | |
|--------------------------------|---------------------|---------|---------------------|---------|
| متغیر | معادله ۲ | | معادله ۳ | |
| | ضریب | آماره t | ضریب | آماره t |
| C | ۰/۸۵ | ۱/۸۹ | ۱/۰۲ | ۲/۳۴ |
| LG(-1) | ۰/۰۴ | ۱/۵۴ | ۰/۰۸ | ۱/۳۳ |
| LGDPPC | ۰/۲۳ | ۲/۳۴ | ۰/۸۸ | ۲/۰۲ |
| L(GDPPCsq) | -۰/۱۲ | -۱/۹۵ | -۰/۲۲ | -۲/۰۸ |
| LTO | - | - | -۰/۰۶ | -۳/۱۱ |
| LHc | - | - | -۰/۰۱ | -۱/۸۸ |
| LOPEN | - | - | -۰/۰۸ | -۳/۱۶ |
| LK | - | - | -۰/۰۶ | -۳/۶۷ |
| LTO*LPCGDP | - | - | -۰/۰۰۲ | -۲/۲۲ |
| Wald test statistic | ۸۰/۸۵ (prob=۰/۰۰۰۱) | | ۶۴/۹۵ (prob=۰/۰۰۰) | |
| Sargan test statistic | ۵۸/۰۵ ((prob=۰/۴۵۷) | | ۴۶/۰۹ ((prob=۰/۳۵۸) | |
| آزمون M2 | -۳/۲۵ ((prob=۰/۲۳۲) | | -۵/۲۱ ((prob=۰/۱۲۴) | |

منبع: محاسبات تحقیق

در معادله (۲)، رابطه نابرابری درآمدی و سطح توسعه اقتصادی که به وسیله GDP سرانه اندازه‌گیری می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج به‌دست آمده، این رابطه طی دوره مورد بررسی در کشورهای مورد مطالعه تأیید می‌شود. ضرایب حاصل از تخمین مدل نیز همگی در سطح بالایی معنی‌دار هستند.

در معادله (۳)، بعد از اضافه کردن سایر متغیرهای تأثیرگذار بر نابرابری و متغیر توریسم بین‌المللی، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم توریسم بر نابرابری درآمدی بررسی گردید. همان‌طور که در جدول بالا نشان داده شده است، تمام ضرایب از علامتهای سازگار با تئوری برخورداری هستند و تمام متغیرها نیز از لحاظ آماری در سطح بالایی معنی‌دار هستند. مقدار ضریب توریسم حاکی از این است که اگر درآمد حاصل از گردشگران بین‌المللی وارد شده به کشورها به اندازه ۱ درصد افزایش یابد، نابرابری درآمدی به اندازه ۰/۰۶ درصد کاهش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر رابطه مستقیم توریسم و کاهش نابرابری درآمدی در کشورهای OIC در معادله (۳) تأیید می‌شود. همچنین مقدار ضریب به‌دست آمده

1. Arellano-Bond test for AR (2) in first differences

برای متغیر $LTO^*LPCGDP$ که نشان‌دهنده میزان تاثیرگذاری غیرمستقیم توریسم بر نابرابری از طریق تاثیر بر رشد اقتصادی می‌باشد برابر $0/002-$ بوده که نشان می‌دهد افزایش درآمد توریسم به اندازه یک درصد با تاثیری که بر رشد اقتصادی می‌گذارد، به‌طور غیرمستقیم منجر به کاهش $0/002$ درصدی نابرابری می‌شود. بنابراین همان‌گونه که بیان گردید کل تاثیر توریسم بر نابرابری برابر است با $(-0/062) = (-0/002) + (-0/06)$ و بیانگر این است که افزایش یک درصد درآمد حاصل از توریسم منجر به کاهش $0/062$ نابرابری در سطح کشورهای عضو کنفرانس اسلامی شده و توزیع درآمد را در این کشورها بهبود می‌بخشد.

تأثیر متغیرهای آزادسازی تجاری و سرمایه‌انسانی نیز بر کاهش نابرابری مثبت و معنی‌دار است و نشان‌دهنده این است که افزایش باز بودن اقتصاد و توسعه سرمایه‌انسانی در این کشور بر کاهش نابرابری موثر است. رابطه U معکوس کوزنتس به لحاظ آماری نیز در مدل (۳) معنی‌دار است.

بنابراین نتایج به‌دست آمده از برآورد هر دو مدل منطبق با تئوری‌های موجود بوده و متغیر وابسته ضریب جینی دارای روابط مورد انتظار با تمامی متغیرهای توضیحی می‌باشد. به‌عبارت دیگر در هر دو مدل، متغیرهای مستقل ارائه شده به‌عنوان عامل موثر بر توزیع درآمد بوده و بر نابرابری موثرند. از آن جایی که در این مطالعه مدل به صورت لگاریتمی تخمین زده شده است، همه ضرایب به‌دست آمده بیانگر کشش متغیرهای توضیحی مدل نسبت به متغیر وابسته می‌باشند. بر اساس نتایج آزمون والد که از توزیع X^2 با درجات آزادی معادل، تعداد متغیرهای توضیحی منهای جزء ثابت برخوردار است، فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن تمام ضرایب در سطح معنی‌داری ۱ درصد رد می‌شود. در نتیجه اعتبار ضرایب برآوردی تأیید می‌شود. آماره آزمون سارگان نیز که از توزیع X^2 با درجات آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد مشخص^۱ برخوردار است، آزمون صفر مبنی بر عدم همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری را تایید می‌کند. همچنین بر اساس آماره $M2$ ، فرضیه صفر آزمون همبستگی سریالی که در آن جملات خطا در رگرسیون تفاضلی مرتبه اول همبستگی سریالی مرتبه دوم را نشان نمی‌دهند را نمی‌توان رد کرد. در نتیجه اعتبار نتایج جهت تفسیر تأیید می‌شوند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف اصلی این مطالعه، بررسی تاثیر توریسم بین‌المللی بر توزیع درآمد (نابرابری) در کشورهای OIC

1. Over-identifying restrictions

می‌باشد. به‌طور دقیق‌تر این مقاله به دنبال این بوده است که شواهدی تجربی برای پاسخ به این سؤال که آیا توریسم می‌تواند سهمی در کاهش نابرابری در کشورهای OIC داشته باشد، را فراهم کند. به‌منظور تعیین این رابطه با استفاده از نظریات اقتصادی، با تکیه بر مدل‌های پانل پویا و به‌کارگیری تخمین‌زن‌های گشتاورهای تعمیم یافته (GMM)، رابطه میان توریسم بین‌الملل و توزیع درآمد در کشورهای OIC طی دوره زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ مورد آزمون و بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که رابطه U معکوس کوزنتس در کشورهای OIC تأیید گردیده و بر اساس نتایج به‌دست آمده می‌توان گفت افزایش درآمد حاصل از توریسم منجر به کاهش نابرابری در سطح کشورهای عضو کنفرانس اسلامی شده و توزیع درآمد را در این کشورها بهبود می‌بخشد.

بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعه، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش توریسم و توجه و اهتمام بیشتر به جاذبه‌های توریسم در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی جهت کاهش نابرابری‌ها و گام نهادن در جهت توسعه این کشورها پیشنهاد می‌گردد.

با توجه به نتیجه به دست آمده از تحقیق حاضر مبنی بر تأثیر قابل ملاحظه توسعه صنعت توریسم بر کاهش نابرابری درآمدی در سطح کشور و تأیید رابطه بین آن‌ها، اهمیت گردشگری در بهبود توزیع درآمد کشورهای مورد مطالعه مشخص می‌شود. به دلیل مزیت‌هایی که صنعت گردشگری در زمینه فرهنگی و اقتصادی برای جوامع دارد، سرمایه‌گذاری در این بخش می‌تواند فرصتی برای کشورهای اسلامی و ملل مسلمان برای نزدیکی به یکدیگر بوده و از سوی دیگر از طریق ایجاد اشتغال، کسب درآمد و تقویت زیرساختها بر جوانب مختلف زندگی ساکنان این کشورها تأثیر گذاشته و موجب کاهش نابرابری و بهبود توزیع درآمد در آنها شود و بنابراین به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی توسعه کشورهای OIC مدنظر قرار گیرد.

تبیین استراتژی مبتنی بر ارتباطات به جای هماهنگی ساختاری بین نهادهای فرهنگی، اقتصادی و امنیتی، به‌کارگیری دیپلماسی عمومی برای معرفی جاذبه‌های توریستی کشورهای OIC، ایجاد اجلاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای توریسم و رفع مشکلات آن به‌ویژه در سطح سازمان کنفرانس اسلامی، پیگیری مصوبات و قطعنامه‌های سازمان کنفرانس اسلامی درباره توریسم و عملیاتی کردن آنها، تاسیس سازمان گردشگری کشورهای OIC برای سازماندهی و برنامه‌ریزی و هدایت امور توسعه توریسم مذهبی در کشورهای عضو، ارائه تسهیلات و ویزای سریع به گردشگران کشورهای OIC و غیره از راهکارهای مناسب جهت توسعه گردشگری در این کشورها می‌تواند باشد.

کتابشناسی

۱. دایی کریمزاده، سعید و شاکرمی، محبوبه السادات (۱۳۸۹). «بررسی اثر گردشگری بر نابرابری درآمدی مطالعه موردی کشورهای گروه D8 طی دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۹۰». همایش منطقه‌ای صنعت توریسم؛
۲. طیبی، سید کمال؛ جباری، امیر و بابکی، روح‌اله (۱۳۸۷). «بررسی رابطه علی بین گردشگری و رشد اقتصادی». دانش و توسعه، سال پانزدهم، شماره ۲۴، ۶۳-۸۴؛
۳. یآوری، کاظم؛ رضاقلی‌زاده، مهدیه؛ آقایی، مجید و مصطفوی، محمدحسین. «تأثیر مخارج توریسم بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)». فصلنامه تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹؛
۴. مصطفوی، سیدمهدی؛ هوشمند، محمود و محقق، اکرم (۱۳۹۲). «بررسی اثرات نابرابری بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب در حال توسعه». اولین همایش ملی گردشگری و طبیعت‌گردی ایران زمین؛
5. Arellano, M. and S. Bond, (1991), "Some Tests of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and an Application to Employment Equations," *Review of Economic Studies*, 58, 277-297;
6. Barro, R.J., (1990), "Government Spending in a Simple Model of Endogenous Growth," *Journal of Political Economy*, 98:S103-25;
7. Barro, R. J. and X. Sala-i-Martin, (1992), "Convergence," *Journal of Political Economy*, 110: 223-251;
8. Barro, R.J. and X. Sala-i-Martin, (1992), "Public Finance in Models of Economic Growth," *Review of Economic Studies*, 54:646-61;
9. Blake, Adam. Arbache, J. Thea Sinclair, M and Vladimir Kuhl Teles. (2008). "Tourism and Poverty Relief". Sao Paulo School of Economics;
10. Carrascal Incera, A. (2015). "Income distribution and inbound tourism consumption in Galicia: multiplier decomposition analysis". University of Santiago de Compostela;
11. Dritsakis, Nikolas, (2004), "Tourism as a Long-run Economic Growth Factor: An Empirical Investigation for Greece" *Tourism Economics*, 10 (3), 305-316;
12. J. Eugenio-Martin, N. Morales, R. Scarpa, (2004), "Tourism and economic growth in Latin American Countries: A panel data approach", Milan, Italy, Fondazione Eni Enrico Mattei Nota di Lavoro, No. 26.
13. Gatti, Petra. (2013). "Tourism, Welfare and Income Distribution: The case of Croatia". *Original Scientific Paper*. 61(1), 53-71;
14. Grossman, Gene M. and Elhanan Helpman, (1991), *Innovation and Growth in the Global Economy*, MIT Press, Cambridge, MA;
15. Hans Berger, (2005), "Iran mit Abstecher Turkmenistan" *Reise Handbuch*;
16. Kuznets, S, (1966), *Modern Economic Growth* (New Haven, CT: Yale University Press);
17. Lee, C-C, Chien. (2008). "Structural breaks, tourism development, and economic growth: Evidence from Taiwan". *Mathematics and Computers in Simulation* 77, 358-368;
18. Lucas, R.E. Jr, (1988), "On the Mechanics of Economic Growth," *Journal of Monetary Economics*, (22):3-42;
19. Marin, D, (1992), "Is The Export-Led Hypothesis Valid for Industrialize Countries?," *Review of Economics and Statistics*, 74:678-688;
20. Mason, P, (2003). "Tourism, Impact, Planning and Management". Oxford: Oxford University Press.
21. Oh, Chi-Ok, (2005), "The contribution of tourism development to economic growth in the Korean economy", *Tourism Management* 26, pp. 39-44;
22. Rahbari, Mehdi, (2005), "Tourism & Sustainable Development, Symposium on the Role of Tourism in Development of Mazandaran Province", Resanesh Publications, Tehran, Iran;
23. Statistical Economic and Social Research and Training Center for Islamic Countries (SESRIC)
24. Suraj, Pant and Parker, Jeffrey. (2011). "The Impact of Tourism on Income Inequality". *The UCLA Undergraduate Journal of Economic*: 39(4):47-99;
25. World Tourism Organization;
26. World Bank Development Indicators.